

وضعیت بازار کتاب بی سر و سامان است

تورم جایی برای کتاب در سبد خانوار نگذاشته است ❁ به تفکر فرهنگی دکتر پزشک‌یان امیدواریم

سیدمحمدعلی گلابزاده ❁

دوست نویسنده و ناشی می‌گفت، رفقایای دارم که قدم رنجه کرده هر از چندگاه یک‌بار به سراغم می‌آیند یا تماس می‌گیرند و ضمن احوالپرسی و اظهار محبت، می‌فرمایند: راستی کار جدید چه دارید؟ با توضیحاتی که در مورد کتب از تنور طبع بیرون آمده به آن‌ها می‌دهم، می‌گویند: لطفاً سهم ما را با پشت‌نویسی و با امضاء خودتان، مرحمت فرمائید که یادگاری بماند. بعد از اجرای همه این دستورها کتب را گرفته، تشکر می‌کنند و تشریف می‌برند.

او می‌گفت، شاید باور نکتی حداقل پنجاه شصت جلد از کتب خود را این‌گونه باید رایگان تقدیم کنم، به عبارت دیگر، برخی انتظار دارند نویسنده‌ای سال‌ها و ماه‌ها خون دل بخورد، مجموعه‌ای را مهیا کند، با دریافت وام بانکی و منابعی از این‌دست کتبی را به چاپ برساند، بعد هم رایگان تقدیم کند.

تازه، ای کاش کتاب مرحمتی را ورق می‌زدند و دل نویسنده را به این اندک عنایت خود، شاد می‌کردند، چون بعد از مدت‌ها وقتی عمداً از آن‌ها در باب مطالب کتاب پرسش می‌کنم، متوجه می‌شوم که حتی ورقی از آن را هم نخوانده‌اند. البته این افراد غیر از نازنینانی هستند که هر نویسنده و صاحب اثری، با کمال افتخار و سربلندی کتابش را به آن‌ها تقدیم می‌کند و آنان نیز قدرشناس سطر سطر آن مطالب هستند. صحبت دوست ما به اینجا که رسید گفتم، بعید است از نویسنده‌ای که نداند هر چیز رایگان و مجانی، ارزش خود را از دست می‌دهد، کتاب را کسی می‌خواند که با اشتیاق، برای به‌دست آوردن آن تلاش کرده و بهایش را برده‌اند، آن وقت با جان و دل می‌نشینند و می‌خوانند و بهره می‌برند.

خدایش بیامرزاد همایون صنعتی‌زاده، بانی گلاب زهرا و ده‌ها مؤسسه بزرگ فرهنگی مانند چاپ افست در ایران، کارخانه کاغذ پارس، کتاب‌های جیبی، مؤسسه فرانکلین و ... همیشه به من توصیه می‌کرد و می‌گفت هرگز کاری که زحمتش را کشیده‌ای، رایگان به کسی نده، زیرا از یک طرف قدر زحمت خود را نادیده گرفته‌ای و مهمتر از آن، دریافت‌کننده آن اثر را بی‌بهره گذاشته‌ای، زیرا برای تهیه‌اش زحمتی نکشیده است. ایشان می‌گفت مدتی که من در زندان سیاسی بودم، گاهی شعرهای خوبی می‌سرودم و برای هم‌بندی‌ها می‌خواندم، آن‌ها می‌گفتند ممکنه این اشعار را بنویسیم، می‌گفتم نفی ۲ تومن بدهید تا بنویسم و به شما بدهم. این پولی بود که هرگز به آن احتیاج نداشتم و اکثراً هم به‌گونه‌های دیگری به آن‌ها برمی‌گرداندم، با این همه اصرار داشتم بدانند که کار من ارزش دارد و بهای آن را باید پرداخت.

علاوه بر این، از اعمال و رفتار عالمان و عارفان درمی‌یابیم که آنچه او می‌گفت، عین صواب است. مثلاً فکرش را بکنید، عارفی چون شمس تبریزی که دل از حضرت مولانا برده بود و مراد او به‌شمار می‌رفت، همواره در تنگدستی و فقر به‌سر می‌برد تا آنجا که برخی شب‌ها جایی برای خوابیدن نداشت و به مسجد روی می‌آورد، با این همه از تمکن و مال‌اندوزی بیزار بود، حتی گاهی که به عملگی می‌رفت، ابتدا وضعیت کارفرما را می‌سنجید، اگر از تمکن مالی بهره داشت، در حد کاری که کرده بود، اجرت می‌گرفت و امور روزانه خود را می‌گذراند، اما اگر کارفرما از وضعیت مالی مناسب برخوردار نبود، اجرت نمی‌گرفت و آرام فرار می‌کرد، به این ترتیب که وقتی کارفرما در روزهای اول می‌خواست پول کارکرد او را بپردازد، می‌گفت چون بدهی دارم بگذارید برای روز آخر که مبلغ قابل توجهی بشود و اثرگذار باشد، آن‌گاه بعد از ۱۰ روز یا کمتر و بیشتر، اجرت نگرفته، فرار می‌کرد و می‌رفت.

اما همین شمس تبریزی، که حضرت مولانا درخصوص او می‌گفت: «شمس تبریز که خورشید یکی ذره اوست / ذره را شمس مگوئیدش و پرهیز کنید».

همین جناب شمس - به قول «فلاکی» در مناقب‌العارفین (۲۹/۶): در قونیه، وقتی ارباب برکات و قدرت خواستند با او ملاقات کنند گفت: اول چهل هزار درم بدهند بعد بیایند!! یعنی به پول امروز ۶۴۰ میلیون تومان «رونما» گرفت و بعد درخواست آن‌ها را اجابت کرد، البته پس از آن، همه این مبلغ را بین نیازمندان تقسیم کرد و دیناری هم برای خود برنداشت.

شاید این اقدام، از سوی عارف نامداری چون شمس تبریزی، کمی شگفت‌آور بنماید، اما او می‌گفت، اگر دیدار و ملاقات من برای آن‌ها ارزش دارد و طالب آن هستند، بهایش را هم بپردازند و اگر نیست، به چه دلیل با آن‌ها دیدار کنم؟ مضافاً اینکه متقاضیان، صاحب مال و مانند و به قول معروف «از جانی‌شان کم نمی‌شود».

باری برادر، اگر تو برای زحمت خود ارزش و احترام قائل هستی، با کی در خواست از سوی افرادی که - حاضرند چندین برابر قیمت آن کتاب را صرف تنقلات روزانه خود کنند - اثر خود را رایگان مده. در اینجا دوست نویسنده، نگاه طول و درازی به من انداخت و گفت: من که روی گفتن این سخنان را ندارم، امیدوارم یاران و رفقایای که کم نیستند و همه آن‌ها برای من عزیزند، یعنی دوستان جانی، طلب کتاب مجانی نفرمایند.

آخر را می‌کشند و به‌سختی کار خود را ادامه می‌دهند».

سعیدی تأکید کرد: «اگر کسی بخواهد وارد این حوزه شود مطمئناً نمی‌تواند با این شرایطی که وجود دارد ادامه دهد».

وی در ادامه گفت: «یکی دیگر از معضلات ما کتابفروشان، فروش‌های اینترنتی است. در سال‌های اخیر موسسات مختلف فروشنده کتاب شده‌اند؛ کتاب را از انتشارات می‌گیرند و برای خریداران در شهرستان‌ها ارسال می‌کنند. کاری به این ندارم که مسائلی هم دارند و گاهی کتاب‌های اصلی را نمی‌فرستند ولی به هر حال، مشکلاتی هم برای خریداران و هم کتابفروشان ایجاد کرده‌اند».

وی افزود: «یکی دیگر از مسائلی که بسیار به کار کتابفروشان لطمه می‌زند بی‌دیف‌های غیرمجاز از کتاب‌ها است که به‌صورت رایگان و یا گاهی با قیمت پایین‌تر از کتاب کاغذی عرضه می‌شود».

سعیدی توضیح داد: «یک ناشر با هزینه‌های بالای حروف‌چینی و چاپ و صحافی و حق تالیف و ... کتابی را چاپ می‌کند. اما کسانی همین کتاب را به‌راحتی تبدیل به بی‌دیف می‌کنند و می‌فروشند. مشتری هم وقتی می‌بیند کتاب گران است، بی‌دیف را می‌خرد».

وی با بیان اینکه چنین رفتارهایی که با کتاب می‌شود یک خیانت فرهنگی است، اظهار کرد: «کتابی چاپ شده و هزار جلد آن در انبار مانده ولی بی‌دیف آن در بازار آمده و با قیمت ناچیزی به فروش می‌رسد. در چنین شرایطی شما دیگر نمی‌توانید هزینه کنید و کتابی را منتشر کنید».

وی ادامه داد: «ما به تفکر فرهنگی آقای دکتر پزشک‌یان امیدوار هستیم». وی افزود: «توقع نداریم یک‌شبه این مسائل حل شود ولی امیدواریم در دولت ایشان، گشایشی ایجاد و به مشکلات بازار کتاب رسیدگی و به این وضعیت سروسامانی داده شود».



کتابفروشی‌ها با مشکل هزینه‌های بالای اجاره‌بهای محل، دستمزد نیروی کار، هزینه‌های بیمه و برق و ... مواجهند. اخیراً هم گویا اداره دارایی، معافیت‌های مالیاتی که در گذشته برای کتابفروشان وجود داشته را منظور نمی‌کند و همکاران ما را تحت فشار قرار داده‌اند تا مالیات دریافت کنند».

وی افزود: «تامین اجتماعی هم برای چاپخانه‌ها و انتشاراتی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، سهم کارفرما را دریافت نمی‌کند. این، جزو معافیت‌هایی است که دولت لحاظ کرده ولی متأسفانه برای کتابفروشان این‌طور نیست و باید بیمه کامل نیروی کار و ۳۰ درصد از حقوق مصوبه اداره کار را به تامین اجتماعی بپردازند».

وی خاطرنشان کرد: «هزینه بالای اجاره‌ها نیز بسیاری از همکاران ما را در پرداخت دچار مشکل کرده است. طبیعی است اگر اجاره را به قیمت روز نپردازید، صاحب ملک آن را به کسی دیگر می‌دهد که بتواند اجاره بپردازد». وی با اشاره به اینکه در این شرایط کسی رغبت به توسعه کتابفروشی یا راه‌اندازی کتابفروشی جدید ندارد، افزود: «فروشگاه‌هایی مثل ما که اجاره مغازه نمی‌دهند هم دارند نفس‌های

مانده است». او با بیان اینکه بسیاری از مشتریان ما وقتی قیمت کتاب را می‌بینند از خرید منصرف می‌شوند، ادامه داد: «این مشکلات فقط مربوط به کتاب نیست اما کتابفروشان و کتابخوانان را بسیار تحت تأثیر قرار داده است و برای رفع آن باید وضعیت اقتصادی بهبود پیدا کند».

این کتابفروش کرمانی سپس اظهار کرد: «علاوه بر این مسائل کلان،

اسما پورزنگی آبادی ❁

روشن شدن چراغ هر کتابفروشی را به روشن شدن یک چلچراغ تشبیه می‌کنند. در سال‌های اخیر و به‌دنبال تنگنای اقتصادی که پیش آمده، چلچراغ‌های بسیاری در شهر کرمان آرام و بیصدا خاموش شد. آن‌ها که مانده‌اند به سختی روزگار می‌گذرانند. محمدمهدی سعیدی مدیر کتابفروشی فرهنگ که بیش از نیم قرن عمر خود را در این کسب‌وکار فرهنگی سپری کرده، می‌گوید: «وضعیتی پیش آمده که کسی رغبت نمی‌کند کتابفروشی خود را توسعه بدهد یا کتابفروشی جدید باز کند. بیش‌تر آن‌ها که هستند در آستانه تعطیلی قرار دارند. تنها در یکی، دو سال گذشته در شهر کرمان حدود پنج کتابفروشی تعطیل شد».

دولت چهاردهم به‌زودی بر سر کار می‌آید و بسیاری از اهالی فرهنگ دل‌امید به گشایش‌هایی بسته‌اند که دکتر مسعود پزشک‌یان وعده آن را داده است. پزشک‌یان در ایام تبلیغات انتخابات، تنها کاندیدایی بود که در کنار مسائل کلان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، از کتاب هم گفت. او در یکی از مناظره‌های تلویزیونی تصریح کرد: «یکی از مشکلات ما گران‌ترین کتاب است» و افزود: «اگر کسانی که کتاب‌خوان هستند قدرت خرید نداشته باشند طبیعی است که کتابخوانی کاهش پیدا می‌کند».

رئیس‌جمهور منتخب ادامه داد: «جامعه ما را با آمار کتابخوانی ارزیابی می‌کنند. جوامعی که در آن انسان‌ها بیش‌تر کتاب می‌خوانند، جرم و فساد و جنایت کمتر است. هر جامعه‌ای که با کتاب دوست شود، آمار دعوای و جنگ‌ها و دزدی کاهش می‌یابد».

اینکه کاندیدایی که اکنون رئیس‌جمهور شده دغدغه وضع کتاب و کتابخوانی را دارد بسیاری را امیدوار کرده تا چلچراغ‌های فعلی پرفروغ‌تر و چراغ‌های تازه دیگری نیز روشن شود. از سعیدی کتابفروش باسابقه

به کوشش شهرام پارسا مطلق در انتشارات متن برتر؛

گزین گویه‌ها و گزین سروده‌های کیومرث منشی‌زاده منتشر شد



بهارهای جامانده در تقویم
از کیومرث منشی‌زاده
در کوشش شهرام پارسا مطلق

شعرهای بلند منشی‌زاده به کارگردانی زهره تیموری و همچنین فیلم سورئال کیومرث درم‌بخش بر اساس شعر بلند «سفرنامه مرد مالخولیایی رنگ پریده» از جمله فیلم‌هایی هستند که از زندگی و شعر منشی‌زاده ساخته شده‌اند.

دکتر کیومرث منشی‌زاده متولد ۱۳۱۷ در جیرفت است که در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۶ در تهران درگذشت.

می‌نویسد: «کیومرث منشی‌زاده از جمله نام‌هایی است که هرچه در موردش بنویسی چیزی از او کاسته‌ای و همیشه حرفی راجع به زوایای پنهان و چند بعدی زندگی‌اش ناگفته می‌ماند. به باور من، منشی‌زاده، متفاوت‌ترین شاعر شعر مدرن ما بود و این تفاوت در شعر، نثر و زیست‌جهانش به آسانی قابل درک و تشخیص است. کمتر شاعری بعد از نیما داریم که شعر را با ریاضی، رنگ، فیزیک و فلسفه پیوند بزند، همزمان در چندین رشته تخصص باشد، با چند زبان آشنا باشد، با اتخاذ شیوه نوینی در طنزنویسی بر متأخرانش تأثیرات شگرفی بگذارد و شعروش با استقلال زبان و بیان از دهه ۴۰ تا امروز همچنان مدرن بماند. نبوغ شگفت‌آور شفاهی او نیز از جمله مواردی است که در کمتر کسی، نظیرش را می‌توان پیدا کرد».

مؤلف در بخش دیگری از مقدمه کتاب می‌نویسد: «عضویت در اولین دوره

گروه فرهنگ‌هنر: «بهارهای جامانده در تقویم» مجموعه گزین‌گویه‌ها و گزین سروده‌های دکتر کیومرث منشی‌زاده شاعر، متفکر و طنزپرداز معاصر است که به کوشش شهرام پارسا مطلق در انتشارات متن برتر در ۲۰۰ صفحه چاپ و منتشر شده است.

این کتاب شامل ۲۸۵ گزین‌گویه، ۸۴ گزین سروده است که از میان کتاب‌ها، یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و اشعار کیومرث منشی‌زاده از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی تا زمان درگذشت شاعر انتخاب شده‌اند. فصل پایانی کتاب با عنوان «تنهایی پریهاو» شامل یادداشت‌هایی از مهدی اخوان لنگرودی، مجید رفعتی، فرزین هومان‌فر، سیدعبدالجواد موسوی و یاسین نمک‌چیان در مورد زندگی و شعر منشی‌زاده است. شهرام پارسا مطلق در مقدمه کتاب